فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc474771421)

[توصیه به تقوای الهی 2](#_Toc474771422)

[بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم 2](#_Toc474771423)

[شنیدن صدای ملائکه قبل از بعث رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم 3](#_Toc474771424)

[دو شخصیت ممتاز در کنار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلّم 3](#_Toc474771425)

[حضور امیرالمؤمنین از در دروان کودکی در خانه پیامبر اسلام 3](#_Toc474771426)

[دفاع از حق ولایت حضرت علی علیه‌السلام 4](#_Toc474771427)

[تعریف اصطلاحات؛ محدَث، نبی و رسول 5](#_Toc474771428)

[خطبه دوم 6](#_Toc474771429)

[توصیه به تقوای الهی 6](#_Toc474771430)

[سؤال از عمر و جوانی در روز قیامت 7](#_Toc474771431)

[شهادت آیت‌الله صدوقی 7](#_Toc474771432)

[جنایات گروهک منافقین 7](#_Toc474771433)

[هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایران توسط آمریکا 8](#_Toc474771434)

[حمله اسرائیل به لبنان 8](#_Toc474771435)

[درک دوران کودکی و نوجوانی و جوانی فرزندان 9](#_Toc474771436)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# خطبه اول

اعوذبالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم‌الله الرحمن الرحیم **الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه**[[1]](#footnote-1)**؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین.**

اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم‌الله الرحمن الرحیم **«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ»**[[2]](#footnote-2) **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# توصیه به تقوای الهی

همه شما برادران و خواهران گرامی و خودم را به تقوا و پارسایی، پرهیز از آلودگی‌های روحی و اخلاقی و نفسانی، عمل به دستورات خداوند و صبر بر سختی‌ها و شکر بر نعمت‌های الهی سفارش و دعوت می‌کنم.

امیدواریم خداوند همه ما را از بندگان ذاکر و شاکر خودش قرار بدهد.

# بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

اراده خداوند بر این محقق شد که در جزیرة‌العرب از خاندان بنی‌هاشم فردی را برای پیامبری و ختم رسالت و نبوت مبعوث کند، تقدیر الهی این فرد را در خاندان بنی‌هاشم قرار داد و زندگی این مولود مبارک؛ زندگی روشن و نورانی بود، بشارت‌های زیادی در ادیان گذشته به تولد به این مولود و به بعثت و رسالت او داده شده بود، علائم و نشانه‌های زیادی که در خصوص تولد رسول گرامی اسلام و بعثت او مشاهده شده بود، در زندگی رسول خدا در طول چهل سال، طبق نقل‌های تاریخی جزء امانت‌داری، صدق و صداقت و پاکی و ارتباط با عالم غیب چیزی دیگری مشاهده نمی‌شود، در محیطی که از بدترین محیط‌ها و فضاها و آلوده‌ترین جامعه‌ها در عصر خودشان بود، خداوند در آن محیط این مولود مبارک و نورانی را مبعوث کرد.

پدر را قبل از تولد و مادر را در سنین کودکی و اوائل کودکی و جد بزرگوارشان را در هشت‌سالگی از دست دادند، این محرومیت‌ها به خاطر این بود که آخرین پیامبر در حوادث و در فراز و نشیب و زندگی و سختی زندگی باصلابت تربیت بشود، در طول این چهل سال خداوند پیامبر را از خطاها و انحراف‌ها مصون داشت، قطعاً اراده خداوند بر این بود که پیامبر فرد کاملی باشد.

# شنیدن صدای ملائکه قبل از بعث رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم می‌فرمایند: من در طول دوران زندگی خودم قبل از بعثت همواره حس می‌کردم که دست غیبی خداوند و عنایت خاصه الهی من را همراهی می‌کند و همیشه مرا حفظ و نگه‌داری از خطا و انحراف می‌کند، در آستانه بعثت رسول خداوند و هنگامی که حضرت به چهل‌سالگی رسیده بودند، در زندگی ایشان هیچ نقطه تاریک و سیاهی دیده نمی‌شد، لذا با همه دشمنی‌ها که به آن حضرت ورزیده شد، هیچ موردی از موارد انحراف فکری، اخلاقی و روحی در حضرت وجود نداشت.

# دو شخصیت ممتاز در کنار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلّم

علاوه بر شخصیت رسول خدا و دست غیبی که او را هدایت می‌کرد، حوادثی واقع می‌شود که آن حوادث هسته آینده پیروان و همراهان او را تعیین می‌کند، از دیدگاه تاریخی در کنار رسول خدا دو شخصیت از امتیاز ویژه برخوردار بودند، در میان زنان حضرت خدیجه و در میان مردان و جوانان حضرت علی علیه‌السلام بودند، دست غیبی الهی طوری است که این دو چهره و شخصیت را قبل از بعثت با زندگی پیامبر متصل می‌کند.

حضرت خدیجه با آنکه با پیامبر اختلاف سنی داشتند، اما علاقه حضرت خدیجه و شیفتگی حضرت خدیجه نسبت به صفات حمیده و فضائل پسندیده پیامبر اسلام به‌قدری بود که ایشان پیشنهاد ازدواج به پیامبر دادند، پیامبر اسلام در 25 سالگی با حضرت خدیجه ازدواج کردند، دو چهره‌ای که از نظر اخلاقی و معنوی شناخته شده و مشهور بودند.

# حضور امیرالمؤمنین از در دروان کودکی در خانه پیامبر اسلام

تقدیر الهی به صورتی بود که حضرت علی علیه‌السلام را در دوران کودکی به سمت خانه حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلّم کشاند که شاگردی باشد که همه احکام و شخصیت و منش را از رسول خدا الهام بگیرد، نکته‌ای که مسلّم است این است که به‌احتمال‌قوی قحطی که در مکه پدید آمده بود و مشکلات اقتصادی که برای حضرت ابوطالب به وجود آمده بود، امیرالمؤمنین از دوران کودکی از خانه ابوطالب جدا شد و به خانه پسرعموی خودش پیامبر اسلام آمد، نقل‌ها از علل آمدن حضرت علی به خانه پیامبر اسلام متفاوت است، شش یا هفت سال قبل از بعثت رسول خدا و حضرت علی علیه‌السلام در حدود هفت‌سالگی قحطی به وجود آمد و این قطحی مردم زیادی را تحت فشار اقتصادی قرار داد، از جمله کسانی که فرزندان زیادی داشتند و مشکلاتی در زندگی اقتصادی داشتند؛ حضرت ابوطالب بودند، پیامبر اکرم در هشت‌سالگی که عبدالمطلب از دنیا رفتند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلّم تحت تکفل ابوطالب تا سن بیست‌وپنج‌سالگی قرار گرفت، در اثر آن قحطی حضرت ابوطالب دچار مشکلات خانوادگی و اقتصادی شدند، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلّم سختی زندگی ابوطالب را حس می‌کرد، در آن زمان رسم بود که اگر کسی به مشکل اقتصادی برمی‌خورد، اقوام فرزندان را به خانه خود می‌بردند، پیامبر اکرم به عباس فرمودند که چند فرزند از فرزندان ابوطالب را به خانه بیاوریم، عباس برادر ابوطالب نسبت به او وضع بهتری داشت و از پیشنهاد پیامبر استقبال کرد، حضرت ابوطالب چهار پسر به نام‌های؛ طالب، عقیل، جعفر و علی علیه‌السلام

داشتند، حضرت ابوطالب فرمودند عقیل را دوست می‌دارم، عقیل را برای خود نگه داشتند و فرزندان دیگر تقسیم شدند، آنچه مسلّم است این است که جعفر را حضرت حمزه را متکفل شد و علی بن ابی طالب که از همه کوچک‌تر بود و حدود سن شش‌سالگی به خانه پیامبر رفت، یکی از افتخارات علی بن ابی طالب این هست که در خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بزرگ شد، در نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین علیه‌السلام اشاره به این دارند که در کودکی و اوائل سنین کودکی به خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم آمدم، امیرالمؤمنین می‌فرمایند به هر دید و نگاهی باشد، من به پیامبر از بقیه افراد نزدیک هستم، زمانی که حضرت از حق ولایت خود می‌خواهند دفاع کنند به چند مطلب اشاره می‌کنند:

# دفاع از حق ولایت حضرت علی علیه‌السلام

1- در ایمان و جهاد، تقوا، علم، دانش و همه ارزش‌های علمی و معنوی و اخلاقی از همه مردم برتر هستم.

2- از نظر سببی و نسبی به پیامبر از بقیه افراد به پیامبر نزدیک‌تر هستم.

3- من در خانه پیامبر بزرگ شده‌ام، از منبع اخلاق و معنویت پیامبر بهره‌مند شدم.

در یکی از خطبه‌های نهج‌البلاغه حضرت این‌طور می‌فرمایند: «لقد ابت الله قبل أن یعبده احدٌ من هذه الامت سبع سنین»؛ قبل از آنکه در میان شما امت کسی باشد که خداوند را بپرستد و بندگی خداوند بکند، من هفت از سال قبل از آن خدا را عبادت می‌کردم، ابن ابی الحدید شارح سنی مذهب نهج‌البلاغه ضمن تفسیر این جمله امیرالمؤمنین می‌فرمایند که این اشاره به همان دوره‌ای است که علی بن ابی طالب در خانه رسول خدا و کنار رسول خدا بودند، اما زمانی که پیامبر مبعوث شدند؛ سن امیرالمؤمنین محل اختلاف است، از ده سال تا حدود شانزده‌سالگی سن حضرت نقل شده است، قول مشهور این است که حضرت در هنگام بعثت سیزده‌ساله بودند.

بیشتر مردم مکه و جزیرة‌العرب بت‌پرست و مشرک بودند، تعداد اندکی از یهود و نصاری بودند، عده‌ای هم به خاطر فطرت پاکشان از بت‌پرستی مبرا بودند و از جمله آن‌ها پیامبر، ابوطالب، حضرت علی علیه‌السلام و بعضی دیگر از اقوام پیامبر که اهل بندگی و توحید و یکتاپرستی بودند.

«و قد ابت الله قبل أن یعبده احدٌ من هذه الامة سبع سنین و کنت اسمع صوت و ابصر ضوء سنین سبعاً»؛ هفت سال صوت ملائکه را می‌شنیدم و نور آسمان‌ها را در خانه احساس می‌کردم، همان‌طور که خود رسول خدا در طول دوره قبل از بعثتشان ارتباطی با عالم غیب داشته‌اند، امیرالمؤمنین هم با سن کم آن را احساس می‌کردند.

«**و رسول‌الله حینئذٍ صامتٌ ما أذن له فی الانذار و تبلیغ**»؛ هنوز به رسول خدا اعلام تبلیغ و اعلان رسالت نشده بود، من به او ایمان آوردم و در کنار او بودم، امیرالمؤمنین به سال‌های قبل از بعثت پیامبر که در خانه پیامبر بودند به خودشان افتخار می‌کردند و دیگری؛ سه سال بعد از بعثت که هنوز رسالت رسول خدا علنی نشده بود، می‌فرمایند در آن سه سال هم در کنار رسول خدا بودم، من و خدیجه با رسول خدا نماز می‌خواندیم، درحالی‌که احدی هنوز از رسالت پیامبر اکرم مطلع نبود.

نکته دیگر در زندگی پیامبر اکرم قبل از بعثت این هست که «کان محدثاً قبل بعثته»، چند اصطلاح در معارف دینی هست:

# تعریف اصطلاحات؛ محدَث، نبی و رسول

1- اصطلاح این است که کسانی داشته‌ایم محدَث بوده‌اند، یعنی کسی که ملائکه با او صحبت می‌کنند، صدای ملائکه و الهام می‌شنود، اما ملائکه را نمی‌بیند، وحی به او نمی‌شود.

2- اصطلاح دوم نبی هست، به این معناست که وحی بر او می‌شود و ارتباط با عالم غیب دارد، اما مأمور نیست که این ارتباط را اعلام بکند و مردم را به رسالت خودش دعوت بکند.

3- اصطلاح سوم رسول است و به این معناست که کسی است که صدای ملائکه را می‌شنود، آن‌ها را می‌بیند و به او وحی می‌شود و از ناحیه خداوند مأمور است که رسالت خودش را اعلام کند و مردم را به دین خودش دعوت بکند.

4- پیامبران اولوالعزم هستند که صاحب کتاب هستند و دعوت عام به همه بشریت را دارند.

رسول گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلّم طبق روایت قبل از بعثتشان محدَث بودند، گاهی ایشان قبل از بعثتشان در کوچه راه می‌رفتند، صدای ملائکه و سلام ملائکه را می‌شنیدند، در مورد ائمه طاهرین در اصول کافی روایات متعددی هست که می‌گویند: همه ائمه اطهار و حضرت فاطمه سلام الله علیها محدَث بودند و ارتباط با ملائکه و عالم غیب داشتند.

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[3]](#footnote-3)عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

# توصیه به تقوای الهی

همه شما خواهران و برادران گرامی و خودم را به تقوا و پارسایی، به تذکر مرگ، یادآوری عبور از این عالم، توجه به اینکه ما هرلحظه در معرض آفت‌ها و آسیب‌ها و حوادث روزگار داریم و اینکه برای ما بقائی در این عالم مقرر نشده و دیر یا زود باید از این عالم کوچ کنیم و همه آنچه خداوند به‌عنوان ابزار آزمایش و کمال و رشد به ما داده است، روزی از ما گرفته خواهد شد؛ سفارش می‌کنم.

# سؤال از عمر و جوانی در روز قیامت

تنها سؤالی که می‌شود این است که از عمر و جوانی، نعمت‌ها، مال، موقعیت و هر نعمتی که خداوند به ما داده است؛ سؤال خواهد شد که این نعمت‌ها در کجا مصروف کرده‌اید، انسان می‌تواند در سنین نوجوانی و جوانی به بهترین مقام معنویت برسد و مراتب بالای علم و اخلاق و معرفت تحصیل بکند، سؤال می‌شود که چرا این دوران حساس را با گناه سپری کردید و مال را در راه گناه مصروف کردید.

گاهی اوقات از فلسفه‌ای که در زندگی و حیات ما نهفته است و از آن هدف والا و بزرگی که خداوند در خلقت عالم تقدیر کرده؛ غافل هستیم، نماز جمعه و روز جمعه و به طوری کلی نماز برای این است که انسان را متنبه بکند، سؤال‌های جدی حیات بشر را در جلوی چشم مجسم بکند و انسان را خدایی بکند و از آلودگی‌ها پاک کند.

امیدواریم خداوند همه ما را در استفاده درست از نعمت‌ها و امکانات و عمر؛ ان شاء الله توفیق کامل و وافی عنایت بفرماید.

# شهادت آیت‌الله صدوقی

یازدهم تیر سالگرد شهادت چهارمین شهید محراب؛ مرحوم آیت‌الله صدوقی است، ایشان در یازدهم تیر سال 1361 در ماه مبارک رمضان در محراب عبادت به دست منافقان کوردل به شهادت رسیدند، شهادت این عالم بزرگوار و شهید بزرگ محراب و همه شهدای اسلام را گرامی می‌داریم و امیدواریم خداوند به همه ما توفیق تداوم بخشیدن به راه آن‌ها عنایت بفرماید.

# جنایات گروهک منافقین

از عجایب تاریخ و سابقه گروه منافقین این است که هر چقدر از پلیدی و آلودگی تصور بشود، در این گروهک تروریستی وجود دارد، وقتی کشور ما در مرزهای خودش مشغول جنگ بود و مصمم بودند که کشور ما را تجزیه بکنند و کشور ما را از پای دربیاورند و انقلاب ما را ساقط بکنند، هر کسی که احساس ایمانی یا حداقل احساس ملیت داشته باشد، تصور اینکه در کنار دشمنان ملت خودش قرار بگیرد؛ به ذهنش خطور نمی‌کند، اما این‌ها یک عده افراد منحرف در داخل به این صورت موج ترورها و خشونت‌های بی‌پایان را در برابر ملت و افراد پارسای ملت پدید آوردند، زمانی هم که جنگ به وجود آمد و کشور موردتهاجم دشمن قرار گرفت، در کنار دشمنان و به‌عنوان سربازان سپاه دشمن قرار گرفتند، الآن هم اگر فرصتی پیدا بکنند؛ روحیه درندگی خود را نشان می‌دهند.

بدترین گروه‌های در داخل کشور در طول چند قرن؛ گروهک منافقین بود که پرونده قتل، غارت و در ترور و در کنار دشمن بودن؛ دارند.

# هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایران توسط آمریکا

دوازدهم تیر سال 1367 در سال‌های آخر جنگ، هواپیمای مسافربری کشور ما را در آسمان خلیج‌فارس مورد حمله ناوگان هوایی آمریکا قرار گرفت و جمع زیادی بدون هیچ گناهی کشته شدند، آمریکا نشان داد که طرفدار صدام هست و از او حمایت می‌کند.

# حمله اسرائیل به لبنان

حمله اسرائیل به لبنان در مدتی قبل واقع شد، درحالی‌که در داخل اسرائیل انتخاباتی برگزار شد و حزب لیکد کنار رفت و حزب کارگرانشان روی کار آمد، هم‌زمان با این انتخاب قدرت، ارتش اسرائیل در یک حمله کم‌نظیر در سال‌های اخیر؛ به مناطق مختلف لبنان داشتند، علاوه بر آن همه دعواهایی که در مذاکره با اسرائیل راه انداختند و ادعاهایی که سازمان سازش کاران فلسطین در دنیا راه انداختند، حزب قبل یا بعد اسرائیل از زور و درندگی خودشان چیزی کم نمی‌کند، اسرائیل نتیجه حزب صهیونیسمی هست که در مرام‌نامه و اساس‌نامه آن‌ها تسخیر عالم اسلام و نفوذ در همه عالم اسلام برنامه‌ریزی و پیش بینی شده است، عالم اسلام باید مطمئن باشند که اصل چیزی که دشمنان را در برابر ما می‌تواند وادار به تسلیم بدارد این است که احساس قدرت و وحدت و عزت بکنند، هر چه اختلافات و تفرقه بیشتر در درون داشته باشیم، طبعاً دشمن گام‌های بیشتری به‌سوی ما برمی‌دارد.

طبیعت دولتی که اساس آن مشروعیت ندارد و از اساس خانه مردم را اشغال کرده است؛ این است که اگر روزی حس بکند مسلمانان قوی نیستند، همان اندازه پای صلح نخواهند ایستاد، اگر کسی این مطلب را درست درک نکند، واقعاً در عالم سیاست دچار نوعی حماقت است.

حمله اسرائیل به لبنان در دوره‌ای که ادعای صلح می‌کنند، ما را به شناسایی و شناخت دقیق دشمن دعوت می‌کند.

قریب به بیست سال هست که قسمت‌های زیادی از لبنان و قسمت‌های از سوریه و مصر هم و اردن در اشغال اسرائیل هست.

حرف ما؛ حرف فرهنگی و انقلاب معنوی و هشدار دادن به دنیای اسلام بوده، بسیاری از آن هشدارها را دنیای اسلام فهمیده است و راهی جزء این نیست که مسلمانان متحد در مقابل دشمنان بشوند.

# درک دوران کودکی و نوجوانی و جوانی فرزندان

یکی از مهم‌ترین چیزهایی را که مربیان و معلمان باید به آن توجه داشته باشند، درک عالم کودکی، نوجوانی، و جوانی است، صرفاً با امرونهی و خطاب نوجوان خود را و فرزندان خود را اصلاح بکنیم، قطعاً موفق نیستیم، اگر در روزگاران قدیم تندی می‌توانست نوجوان را و فرزند را منشأ هدایت بشود، قطعاً امروز آن امر قابل تحقق و تأثیر نیست، در هدایت تحصیل اگر قرار بر این گذاشته شود که دنیای او را درک نکنیم، سختی‌ها و مشکلات او را درک نکنیم؛ قطعاً موفق نیستیم، باید فهمید که در کشور ما جمعیت جوان یک جمعیت کم‌نظیر و بسیار معظمی دارد، هدایت سی میلیون جوان کشور درصورتی‌که خود پدر و مادر و مربی و معلم اصلاح بشوند؛ تحقق می‌یابد و اینکه دارای اخلاق خوب و شناخت روش‌های درست باشیم.

نسلی که مواجه با موج بیکاری و مشکلات اقتصادی است، تا سن بالا متمکن از ازادواج نیست، اگر معلم و مربی و پدر و مادر در عالم آن‌ها وارد نشوند و از دور بخواهند امرونهی بکنند، بدون اینکه مشکلات و اقتضائات جوانی را بشناسند، قطعاً موفق نیستند، باید با دقت بیشتر رابطه را با نوجوان و جوان برقرار و اصلاح کرد، اگر حس بکند که او را درک می‌کنید و می‌فهمید و به مشکلات او توجه دارید، با روش درست خیر و سعادت او را می‌خواهید، در این صورت ممکن است که بتوانید فرزندتان را حتی در عالم کودکی هدایت بکنید.

حتی در دوستی که به مشکلات او توجه دارد و واقعاً دلسوز او هست و با روش صحیح می‌خواهد با او برخورد بکند، این اعتماد موجب رفاقت خوب می‌شود، رفاقت در خانه، جلب اعتماد و فرزندان ما احساس بکنند که ما دلسوز آن‌ها و در کنار آن‌ها هستیم، در مقام تربیت به حداقل از تندی و سرسختی باید اکتفا کرد، بنا بر رِفق، مدارا، درک نوجوان و جوان باید باشد.

مسئله اعتیاد یک مسئله روحی و روانی است، کسی که به مواد مخدر پناه می‌برد؛ به خاطر یک مشکل روحی و روانی هست، خلأیی در رابطه اجتماعی خودش حس می‌کند، اعتیاد به چند موضع بر می‌گردد:

1- دوستان ناباب است که از یک جلسه گفتگوی عادی و تفریحی شروع شده و به اعتیاد کشیده شده است.

2- اعتیاد به مشکلات روحی و روانی فرد بر می‌گردد که در درون خانه مشکلاتی داشتند، درست با او مقابله و تعامل نشده، اصول صحیح اخلاقی در ارتباط با او اعمال نشده است.

مخصوصاً در دروه دبیرستان و پیش‌دانشگاهی و ورود به دانشگاه از دوران بسیار حساس است که اگر سرزنش، توبیخ، بدرفتاری این نوع منش‌ها به کار رود، نتیجه‌اش مفاسد اجتماعی، ناراحتی‌های روحی، قانون‌شکنی‌ها و امثال این‌ها می‌شود، اگر در مقابل روش‌های درست به‌کاربرده شود، در فطرت انسان خیر و سعادت نهفته است، مطمئناً جوان و نوجوان ما با مقداری توجه از بهترین جوان‌ها و نسل‌ها می‌شوند، بخصوص در ایام تابستان که اوقات فراغت بیشتری دارند، نکات اخلاقی و توجه به این مسائل بیشتر بشود.

1. . اعراف (7): 43. [↑](#footnote-ref-1)
2. . آل‌عمران (3): 102. [↑](#footnote-ref-2)
3. . سوره حشر، آیه 18 [↑](#footnote-ref-3)